

خبرد خفته

فد بفه و حکمت سیاسی اسلامی
و گذار به سیاست عملی

دکتر علی اکبر علیچانی

دانشیار دانشگاه تهران



9 784964 272051



شماره مسلسل ۹۴۷۶

شماره انتشار ۳۹۲۸

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه : علی‌خانی، علی اکبر، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور : خرد خفته: فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی و گذار به سیاست عملی / علی‌اکبر علیخانی.
مشخصات نشر : تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۳۶۸ ص: جدول، نمودار.
فروخت : انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۹۲۸.
شابک : 978-964-03-7208-1
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
پایه بست : کتابنامه: ص. [۳۰۹] - ۳۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت : نمایه.
عنوان دیگر : فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی و گذار به سیاست عملی.
موضوع : اسلام و سیاست
موضوع : فلسفه اسلامی
موضوع : علوم سیاسی -- فلسفه
شناسه افزوده : دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره : BP ۲۳۱/ع۸۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی : ۹۷/۲۰۲۳
شماره کتابشناسی ملی : ۰۹۷۹۵۷

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق ناشر محفوظ است.

خرد خفته: فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی و گذار به سیاست عملی

ISBN: 978-964-03-7208-1



9

789640 372081

تألیف: دکتر علی‌اکبر علیخانی

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

بها: ۱۷۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

مقدمه	۱
-------------	---

فصل اول

چیستی و امکان فلسفه سیاسی اسلامی

هفتمه	۱۳
نوع و رایج فلسفه سیاسی	۱۴
امکان یا امتناع فلسفه سیاسی اسلامی	۱۹
دلایل امتناع فلسفه سیاسی اسلامی	۲۰
دلایل امکان فلسفه سیاسی اسلامی	۲۶
۱. امکان عقلی و فلسفی اسلامی	۲۷
۲. امکان ماهوی فلسفه سیاسی اسلامی	۲۹
۳. امکان علمی و روش فلسفه سیاسی اسلامی	۳۵
۴. امکان وقوعی فلسفه سیاسی اسلامی	۴۲
تحقق تاریخی و سیر علوم عقلی در جهان اسلام	۴۶
چیستی فلسفه سیاسی اسلامی	۵۴
۱. هویت فلسفه سیاسی اسلامی	۵۴
۱-۱. فلسفه سیاسی در اندیشه فیلسوفان مسلمان	۵۴
۱-۲. خاستگاه اولیه علوم عقلی و حکمی	۵۹
۱-۳. تلقی‌های مختلف از فلسفه اسلامی	۶۲
۱-۴. هویت مستقل فلسفه اسلامی	۶۸
۱-۵. هویت اسلامی فلسفه سیاسی اسلامی	۷۴
۲. معنای فلسفه سیاسی اسلامی	۷۷
۱-۲. ابتدای فلسفه سیاسی بر مبنای و مبادی اسلامی	۷۸
۲-۲. وجود آموزه‌های عقلی و استدلالی در مورد سیاست در اسلام	۷۹
۲-۳. وجود توجیه و تبیین عقلی و فلسفی آموزه‌های سیاسی در اسلام	۷۹

۸۰	۲-۴. اسلام به مثابه جهت دهنده فلسفه سیاسی
۸۰	۲-۵. این همانی یا هم پوشانی عقل و وحی در اسلام
۸۲	۲-۶. هم راستایی اهداف فلسفه سیاسی کلاسیک با اسلام
۸۲	۲-۷. فلسفه سیاسی مسلمانان یا جهان اسلام
۸۳	رویکرد امروزی به فلسفه سیاسی اسلامی
۸۳	۱. شبکه مفهومی فلسفه سیاسی اسلامی
۸۵	۱-۱. فلسفه سیاسی
۸۶	۱-۱-۱. فلسفه سیاسی اسلام
۸۸	۲. فلسفه سیاسی اسلامی
۸۹	۱-۲. سیاست فلسفی
۹۰	۱-۱-۱. است فلسفی اسلام
۹۱	۱-۲-۲. سیاست فلسفی اسلامی
۹۲	۱-۳. فلسفه سیاست
۹۵	۱-۳-۱. فلسفه سیاست اسلام
۹۶	۱-۳-۲. فلسفه سیاست اسلام
۹۹	۲. کاربرد فلسفه سیاسی در شرایط امروز
۱۰۴	۳. فلسفه سیاسی اسلامی به مثابه محتوا
۱۰۵	نتیجه گیری فصل اول

فصل دوم

حکمت سیاسی اسلامی

۱۱۱	مقدمه
۱۱۲	پیوند معنوی حکمت با سیاست
۱۱۸	حکمت سیاسی در ایران باستان
۱۱۸	۱. ریشه های حکمت در ایران باستان
۱۲۴	۲. اصول حکمت سیاسی در ایران باستان

۱۲۴	۲-۱. تقسیم هستی به گیتی و مینو.....
۱۲۵	۲-۲. نظریه حکیم حاکمی.....
۱۲۷	۲-۳. فزه ایزدی.....
۱۲۸	۲-۴. فز کیانی.....
۱۳۱	۲-۵. رد نظریه تغلب.....
۱۳۲	حکمت خالده و ظرفیت سیاسی آن.....
۱۳۲	۱. چیستی حکمت خالده.....
۱۳۹	۱. شاخص‌های حکمت خالده.....
۱۳۹	۲-۱. شاخص‌های مابعدالطبیعی.....
۱۴۰	۲-۲. شاخص‌های انسان‌شناختی.....
۱۴۱	۲-۳. شاخص‌های اخلاقی.....
۱۴۲	حکمت و حکمت‌شناسی در قرآن و حدیث.....
۱۴۲	۱. حکمت در قرآن.....
۱۴۶	۲. حکمت در تفسیر.....
۱۵۲	۳. حکمت در حدیث.....
۱۵۹	۴. منابع حکمت.....
۱۶۲	حکمت و حکمت‌شناسی نزد حکمای مسلمانان.....
۱۶۲	۱. یکی دانستن حکمت و فلسفه.....
۱۶۷	۲. پیوند حکمت با سعادت.....
۱۶۹	۳. تقسیم حکمت به نظری و عملی.....
۱۷۶	۴. معنای حکمت و فلسفه بعد از سهروردی.....
۱۷۷	۵. تعریف ملاصدرا از حکمت و فلسفه.....
۱۷۸	۶. حکمت ایمانی یا عقل‌عقل.....
۱۸۰	۷. حکمت اُنسی.....
۱۸۱	رویکرد امروزی به حکمت سیاسی اسلامی.....

۱۸۲	۱. ماهیت حکمت
۱۸۴	۲. شبکه مفهومی حکمت سیاسی
۱۸۵	۲-۱. حکمت
۱۸۶	۲-۲. حکمت سیاسی
۱۸۷	۲-۳. حکمت اسلامی
۱۸۷	۲-۴. حکمت سیاسی اسلامی
۱۸۸	۱-۵. سیاست حکمی
۱۸۹	۱. الزام‌های حکمت سیاسی اسلامی
۱۹۲	۴. شاخه‌های حکمت و حکمت سیاسی اسلامی
۱۹۳	۵. تفاوت حکمت و علم
۱۹۵	۶. حکمت سیاسی اسلامی به مثابه محتوا و روش
۱۹۵	نتیجه‌گیری فصل دوم

فصل سوم

جغرافیای فکری و معرفت‌شناخت و فلسفه سیاسی اسلامی

۲۰۵	مقدمه
۲۰۶	گونه‌شناسی مکاتب حکمت و فلسفه سیاسی ایرانی اسلامی
۲۰۶	۱. حکمت و فلسفه جاودان خرد یا فهلوی
۲۱۱	۲. حکمت و فلسفه سیاسی فاضله
۲۱۵	۳. حکمت و فلسفه سیاسی برهانی
۲۱۸	۴. حکمت و فلسفه سیاسی اشراق
۲۲۰	۵. حکمت و فلسفه سیاسی متعالیه
۲۲۲	۶. نحله غرب تمدن اسلامی
۲۲۳	۷. حکمت و فلسفه سیاسی در دوره جدید
۲۲۸	مسائل و دلالت‌های روشی در حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی
۲۲۸	۱. دلالت‌های روشی
۲۳۲	۲. مسائل حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی

۲-۱. مسائل حکمت و فلسفه سیاسی کلاسیک اسلامی.....	۲۳۲
۲-۲. مسائل حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی در دوره جدید.....	۲۳۴
۳. فلسفه و حکمت در منظومه مطالعات سیاسی اسلامی.....	۲۴۰
۴. نسبت و تفاوت حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی.....	۲۴۵
۴-۱. فلسفه و حکمت.....	۲۴۵
۴-۲. فلسفه سیاسی اسلامی و حکمت سیاسی اسلامی.....	۲۴۶
۱. تفاوت فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی با فلسفه سیاسی مدرن.....	۲۴۹
پیچ دیری فصل سوم.....	۲۵۵

فصل چهارم؛ به مثابه نتیجه؛

۴. از فلسفه و حکمت به سیاست عملی

طرح گذار از فلسفه و حکمت به سیاست عملی.....	۲۶۳
مرحله اول؛ از نظر بنی نظریه.....	۲۶۴
مرحله دوم؛ از نظریه به عدل.....	۲۷۰
مرحله سوم؛ از عمل به راهبرد.....	۲۷۶
مرحله چهارم؛ از راهبرد به نتیجه.....	۲۸۳
نتیجه در بن بست.....	۲۸۷
۱. علل بن بست.....	۲۸۸
۲. کانون بحران.....	۲۹۱
۳. بن بست در نظام سیاسی.....	۲۹۳
۴. بن بست در جامعه.....	۲۹۵
۵. نتیجه بن بست نظام سیاسی و جامعه.....	۲۹۶
رفع بن بست با نظریه تلاقی.....	۲۹۷
۱. کلیات نظریه.....	۲۹۸
۲. ریشه های نظریه.....	۲۹۹

۳۰۲	۳. کاربرد «نظریه تلاقی» در طرح «گذار از فلسفه و حکمت به سیاست عملی».
۳۰۲	۳-۱. توافق بر اصول
۳۰۳	۳-۲. استفاده از مبانی عقلی در سازوکارهای اجرایی
۳۰۷	فهرست منابع
۳۳۳	نمایه‌ها
۳۳۵	نمایه مفاهیم
۳۴۳	نمایه اعلام
۳۵۵	نمایه آیات
۳۵۷	نمایه احادیث

مقدمه

درج دهر تبه شد در این بلا حافظ کجاست فکر حکیمی و رأی برهمنی ایران امروز، اثر تمدنی عظیم و چند هزارساله است، اما فرهنگ عمومی، نحوه زندگی مردم، و حیاه و شرایط مراکز دانشگاهی و علمی پژوهشی آن اصلاً شبیه کشوری با این پیشینه تمدنی نیست. فقط تفاخر به گذشته و یادآوری افتخارهای تمدنی کافی نیست، این غرور و عظمت و افتخارات تمدنی باید نماد و نمود امروزی داشته باشد، برای راه در علمی و پژوهشی ما را ارتقا دهد، زندگی مردم را متحول کند و به طور گسسته در فرهنگ عمومی تجلی یابد. داشتن سابقه فرهنگی و تمدنی حداقل هفت هزارساله، فرهنگ و تفکر و نگرش و رفتارهای عوامانه و گاهی احساسی و متعصبانه سطحی، نیرفتنی نیست، سابقه علمی و تمدنی باید بتواند جامعه را به سوی عقلانیت و در عقب ماندگی فرهنگی را که منشأ عقب ماندگی در سایر عرصه هاست جبران کند.

راه های رسیدن به سعادت و رشد و پیشرفت، و به عبارت دیگر، الگوهای توسعه و تعالی چنان متعدد و متکثر است که هر جامعه ای می تواند با انتخاب بهترین آن ها را با شرایط خود برگزیند. اگرچه تجربیات بشری - و حتی گاهی تقابل - در این راه مفید و قابل استفاده است، ولی در نهایت، هر جامعه ای به الگو، ساختار و منحصر به فرد خود نیاز دارد. در شخصیت و فرهنگ ایرانی پیچیدگی هایی وجود دارد که در ژاپن، کره جنوبی و آلمان نیست؛ همین پیچیدگی ها، آن الگوهای توسعه را در اینجا دچار اختلال می کند. عقل عملی باید متناسب با شرایط ایران الگوهایی ارائه دهد تا ایران نیز بتواند راه برون رفتی از این بن بست تاریخی بیابد.

از سوی دیگر، آن قدر که خود رسیدن به این هدف یعنی سعادت و پیشرفت و توسعه مهم است، راه رسیدن به آن مهم نیست. هر راهی که بتواند جامعه و کشور را به این مهم برساند برگزینی است، اما خردمندی و حکمت در تمام آن‌ها شرط لازم است. یکی از این راه‌ها می‌تواند یک نظام مبتنی بر نظریه‌های بومی عدالت باشد. راه دیگر، طراحی و اجرای یک نظام اخلاقی در سطح نظام سیاسی است. راه دیگر، برگرفتن و بومی‌سازی الگوی یک کشوری است که قبلاً این مسیر را رفته است. راه دیگر می‌تواند برگرفتن یک الگوی خارجی باشد. حتی داشتن راه بد و نیوب بهتر از بیراهه است که فاجعه‌ای بزرگ‌تر به بار می‌آورد.

اما عادت ایران به این است که تا یک برنامه و مسیری برای رشد و توسعه توسط یک حکمت دولتی برگزیده می‌شود، به جای کمک به او و رفع نواقص، عده‌ای که دارای قدرت و نفوذ رسانه هستند با جوسازی به عیب‌جویی و بزرگ کردن نقاط ضعف و مانع‌رسانی می‌زنند تا بالاخره آن را زمین بزنند،^۱ پس از آن، همه حیران و سرگردان، منتظرند دولت بعدی شروع کند و آن را هم زمین بزنند. اساساً بخش عمده وقت و انرژی فعالان سیاسی در ایران صرف خنثی کردن تلاش‌های یکدیگر و تخریب صرف مابقی می‌شود و همیشه نوعی تخریب و انتقام‌جویی پنهان در جریان است.^۲ ریشه‌های صدها مشکل رو به تشدید در جامعه ایرانی را باید در این گونه رفتارها جست‌وجو کرد. راهی که ما در این اثر به آن می‌پردازیم و امید می‌رود تلنگری به فعالان سیاسی جامعه ایران باشد یا شاید جهت کلی سعادت و پیشرفت و توسعه را نشان دهد. خدمت سیاسی اسلامی است. در جهان سراسر حکمت و عبرت، ما چه می‌کنیم و چرا می‌رویم؟

۱. ر.ک: محمود سریع‌القلم، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶، ص ۴۶. درباره فرهنگ حکومت‌ستیزی ایرانیان، ر.ک: فرامرز رفیع‌پور، دریغ است ایران که ویران شود، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳، صص ۲۸۹ و ۲۹۴.

۲. ر.ک: علی محمد ایزدی، چرا «عقب» مانده‌ایم؟، تهران: نشر علم، چاپ سوم، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴-

جهان سر به سر حکمت و عبرت است چرا بهره ما همه غفلت است
 اینکه از این همه حکمت و عبرت در جهان امروز، چرا بهره ما فقط غفلت و
 حسرت است دلایل متعددی دارد که مهم ترین آن ها فرهنگی است، با این حال
 یکی از این دلایل این است که ابعاد مختلف علمی و سیاسی اجتماعی تمدن
 عمیق و ریشه دار ایرانی اسلامی برای ما روشن نیست. اجمالاً می دانیم که
 چیرمایی بوده است، ولی از کم و کیف و جزئیات آن بی خبریم. در نتیجه،
 الگوبرداری از آن هم ممکن نیست. محتوای دانش و تجربه تمدنی و دیدگاه های
 علمی و حکیمانه موجود در تمدن ایرانی اسلامی، عملاً، از عرصه سیاست و
 اجتماع ما غایب است، استمرار و انباشت دانش و تجربه وجود نداشته است و ما
 در حال گسست علمی و تمدنی به سر می بریم. در یک جمله، عقلانیت از این
 سرزمین رخت بر بسته است، در بهترین وضعیت ما با یک خرد خفته یا خرد
 گمشده مواجهیم. در راستای این مسئله کلان، مسئله تحقیق این است که
 نمی دانیم در سنت علمی تمدن ایرانی اسلامی، فلسفه سیاسی و حکمت سیاسی
 به چه معناست؟ چه تلقی هایی از آن وجود دارد، و چگونه می توان با توجه به
 شرایط امروز، آن را استنباط، بازخوانی و بازسازی کرد. اگر بتوان از فلسفه و
 حکمت سیاسی ایرانی اسلامی، در جهت اصلاح تقویت، و کارآمدتر کردن
 سیاست عملی امروز بهره گرفت موفقیت و فرصت بزرگ به اهدا بود. حتی اگر
 بتوان نشان داد که حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی چگونه می تواند در ارتقای
 سیاست عملی مؤثر باشد باز هم گامی به پیش است و ارزشمند است. بحث به آن را
 دارد. البته طرح چنین مباحثی که از یک سو به مبانی علمی و نظری تمدن ایرانی
 اسلامی مربوط می شود، و از سوی دیگر می خواهد شرایط دنیای امروز را بر آن
 تطبیق دهد و فایده ای برای حل مشکلات امروز از آن بیرون بکشد، دشواری ها و
 مخاطرات خاص خود را دارد، ولی چاره ای هم نیست، چون وا گذاشتن گذشته
 تمدنی و میراث علمی، و برگرفتن نظریه های جدید برآمده از غرب نیز چندان
 نتوانسته مسئله های ما را حل کند. نخست به این دلیل که متناسب با شرایط

جوامع دیگر است و با فرهنگ پیچیده ایرانی سازگار نیست، به جز بخش‌های عقلی‌تر و علمی‌تر آن، که حتماً باید به عنوان تجارب ارزشمند بشری مورد استفاده قرار گیرد. دوم به دلیل مخالفت و سنگ اندازی جریان‌های سنتی، که نه خود راه حل و الگویی کارآمد برای حل مسئله‌ها و اداره مطلوب امور در دست دارند، و نه اجازه استفاده از الگوها و نظریه‌های غربی را می‌دهند.

بنابراین، در جهت نشان دادن راه‌های برآمده از دانش و تمدن اسلامی ایرانی برای حل مسائل و تدبیر امور، پرسش اصلی تحقیق این است که فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی چیست و چه کاربرد امروزی دارد؟ دو معنی از چیستی مدنظر بوده است: نخست اینکه چه بوده است و دوم اینکه چه می‌تواند باشد و متناسب با شرایط امروز تعاریف جدیدی از آن‌ها می‌توان ارائه کرد. ذیل این پرسش اصلی، سه دست پرسش‌ها فرعی مطرح می‌شود:

دسته نخست اینکه «فلسفه سیاسی اسلامی چیست؟ اگر فلسفه سیاسی در فلسفه ریشه داشته باشد، منظور از فلسفه اسلامی چیست و آیا اساساً فلسفه اسلامی امکان وجود دارد؟ به تبع آن، فلسفه سیاسی اسلامی وجود داشته باشد؟ دلایل وجود فلسفه اسلامی، و فلسفه سیاسی اسلامی کدام‌اند؟ سیر تحول علوم عقلی و از جمله فلسفه و فلسفه سیاسی اسلامی چه بوده است؟ هم‌اکنون چه تلقی‌هایی از فلسفه سیاسی اسلامی وجود دارد؟ در بحث پایانی این فصل، به این پرسش پرداخته شده که با توجه به اهمیت سریع مطالعات سیاسی اسلامی در چند دهه اخیر، چه تعاریف جدیدی می‌توان از فلسفه سیاسی اسلامی ارائه کرد؟ در این بحث با عنوان «رویکرد جدید به فلسفه سیاسی اسلامی»، برای اولین بار تعاریف جدیدی از «فلسفه سیاسی اسلام و سیاست فلسفی اسلام و اسلامی» و «فلسفه سیاست اسلام و اسلامی» متناسب با شرایط امروز ارائه شده است. سپس سعی شده کاربرد این شبکه مفهومی از فلسفه سیاسی، در نظام‌های سیاسی کنونی نشان داده شود.